



# LIDA Stories

[lidastories.net](http://lidastories.net)

قصة ماسي

LIDA Italia  
Vilius Aistis Vilimas  
Shir Ahmad Laiwal



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.  
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

قصة ماسي



LIDA Italia  
Vilius Aistis Vilimas  
Shir Ahmad Laiwal  
4  
دري



م من هلك است و من سی و نو بدله هستم. من در افغانستان  
تولد شدم. دین من از دین اصلی افغانستان فرق می کند.

من آرزو دارم که یک روز پس به افغانستان بروم. آنجا بزرگ  
مردم به کمک تیرا دارند، و من میخواهم آنجا کمک کنم.

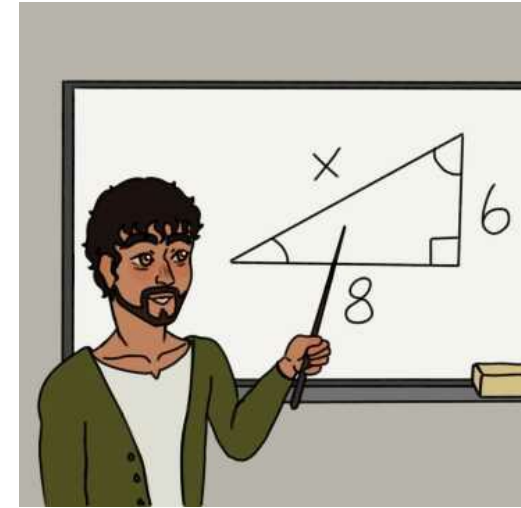


برای این هستیم که مردم را به افغانستان بفرستیم. این کار  
سخت است. ما می‌خواهیم مردم را به افغانستان بفرستیم.





چند سال پیش در آنجیک جنگ بود. من ترسیده بودم که  
تلاش کشته شوم. من خانواده ام را ترک کردم و برای آرز  
زندگی نو به اروپا رفتم.



بعد از درس خواندن من کار را شروع کردم. من اول در یک  
رستوران کار کردم و بعد از آن من استاد شدم چرا که من  
میخواهم به دیگران کمک کنم.

من در چندین مدل اول ای که یاد کردم، بچه‌ها را خودم  
 نگه‌دارم. این‌ها برای من مشکل نبود، مگر من خودم دارم که چیزهای  
 دیگر را نگه‌دارم. بچه‌ها را نگه‌دارم. بچه‌ها را نگه‌دارم.



من در چندین مدل اول ای که یاد کردم، بچه‌ها را خودم  
 نگه‌دارم. این‌ها برای من مشکل نبود، مگر من خودم دارم که چیزهای  
 دیگر را نگه‌دارم. بچه‌ها را نگه‌دارم. بچه‌ها را نگه‌دارم.





بلاخر من رسیدم. من در چند هم کشورم ملاقات کردم کهنی  
که در من کمک کردند. من نمی فهمم که بدون آنها من چه می  
کردم.



من به یاد گرفتن زبانی را آهز کردم، مگر بسیر سخت بود. من  
می فهمیدم که یاد گرفتن زبانی برای وظیفه گرفتن مهم است.